



## "مسلمانی؟ نماز میخوانی؟" ... و بعد کشتند

مصاحبه رادیو انترناسیونال با اصغر کریمی  
درمورد سالروز کشتار زندانیان سیاسی در شهریور ۱۳۶۷

جمهوری اسلامی نشستند و تصمیم گرفتند که یک ارباب دیگر، یک کشتار دیگر برای سر پا ماندن آنها لازم است. جنگ ارتجاعی و خانمان سوز ایران و عراق تمام شده بود و توده های مردم محرومی که با

صفحه ۳

مقطع سی خرداد شصت به بعد و غیره. در تمام این سالها ماشین جنایت و کشتار جمهوری اسلامی یک دم از کار نیفتاده. در سال ۶۷ بعد از یک دوره که به درجاتی از شدت اعدامهای جمعی و کشتارها کم شده بود، بدنبال آتش بس در جنگ ایران و عراق که خمینی مجبور شد علیرغم میلش قبول کند و به اصطلاح جام زهر را سر بکشد، سران

برای آزادی، رفاه و رسیدن به خواسته های انسانی شان کردند سرکوبش توسط حکومت شاه ناتمام ماند و این رسالت به دوش جمهوری اسلامی افتاد. جمهوری اسلامی تمام مقاطع خودش را با سرکوب و کشتار و ارباب سر پا نگهداشته، از ترکمن صحرا تا کردستان، در دانشگاهها و کارخانه ها تا کاری که به سر زنان آورد،

**سیاوش دانشور:** فاصله ۵ مرداد تا اواسط شهریورسال ماه سال ۶۷ یکی از عظیم ترین قتل عامهای زندانیان سیاسی اتفاق افتاد. چرا این اتفاق افتاد؟ موضوع چه بود؟  
**اصغر کریمی:** کلا جمهوری اسلامی رژیم کشتار و سرکوب و ارباب مردم و حکومت سرکوب انقلاب است. انقلاب عظیمی که مردم در سال ۵۷



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**



## اپوزیسیون راست و "معضل انقلاب"

حمید تقوائی

و یک زبان مخالفت تا سرحد تنفر خود را از انقلاب و تحولات انقلابی ابراز داشته اند. "انقلاب خشونت است. غیر متمذنانه است، نباید از نافرمانی مدنی فراتر رفت، جمهوری اسلامی را باید با رفراندوم کنار زد" و غیره در کنار حمله هیستریک به انقلاب ۵۷ و تحریف و تخطئه آن، از اجزا همیشگی تبلیغات رادیو تلویزیونهای سلطنت طلب است. اپوزیسیون راست با انقلاب از تخت افتاده است و این را هم خوب میدانند که با انقلاب بقدرت باز نخواهد

صفحه ۲

تحولات خرداد\_تیرماه گذشته یکبار دیگر این واقعیت را تایید کرد که هر چه بیشتر مردم مستقیما یا بمیدان مبارزه بگذارند اپوزیسیون راست بیشتر به حاشیه رانده میشود. انقلاب با آرمان و اهداف و شیوه های راست خوانائی ندارد به این دلیل ساده که مخالفت و ضدیت با انقلاب جزئی از هویت نیروها و احزاب راست است. پی بردن به این نکته البته به تجربه برآمد توده ای اخیر احتیاجی نداشت. اپوزیسیون راست اعم از سلطنت طلبان و یا عموزاده های جمهوریخواهشان همیشه با هزار

**کارگر کمونیست ۲**  
**منتشر شد**  
[www.haftegi.com](http://www.haftegi.com)

**تظاهرات های حزب کمونیست کارگری ایران در کشورهای مختلف در سالگرد کشتار شهریور ۶۷:**

**اتوا (کانادا)** شنبه ۶ سپتامبر (۱۵ شهریور) ساعت ۲ بعد از ظهر مقابل سفارت جمهوری اسلامی، سخنران ثریا شهابی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
**فرانکفورت (آلمان)** شنبه ۳۰ اوت ساعت ۱۲ ظهر مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی، سخنران علی جوادی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
**اسلو (نروژ)** شنبه ۳۰ اوت ساعت ۱۱ صبح مقابل سفارت جمهوری اسلامی  
**استکهلم (سوئد)** چهارشنبه ۲۷ اوت ساعت ۳ بعد از ظهر مقابل سفارت جمهوری اسلامی

**تلاشهای هسته ای رژیم اسلامی، مولفه ای جدید!**  
علی جوادی  
صفحه ۴

**نوه خمینی و رابطه سکولاریسم با امام زمان**  
اسعد کوشا  
صفحه ۳

**شورای کارگران شرکت نفت شمال در شهر کرکوک تشکیل شد**  
صفحه ۴

**انترناسیونال هفتگی**  
بنیانگذار: منصور حکمت

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
**سردبیر: فاتح بهرامی**  
[haftegi@yahoo.com](mailto:haftegi@yahoo.com)  
Fax: 0044-870 120 7768

**۱۷۳**

۲۴ مرداد ۱۳۸۲  
۱۵ اوت ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود  
[www.haftegi.com](http://www.haftegi.com)

**دفتر مرکزی حزب**  
Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
[markazi@ukonline.co.uk](mailto:markazi@ukonline.co.uk)

## تکمیل ترکیب هیات دبیران حزب کمونیست کارگری ایران

دفتر سیاسی با دادن رای اعتماد به سیاوش دانشور (مسئول رادیو انترناسیونال) و بهرام مدرسی (دبیر سازمان جوانان کمونیست) پیوستن آنها به هیات دبیران را تصویب کرد. لازم به یاد آوری است که مطابق طرح سازمانی ارگانهای رهبری حزب، لیدر حزب کاندید پستهای هیات دبیران را به دفتر سیاسی معرفی میکند و از دفتر سیاسی تقاضای رای اعتماد مینماید.

### دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۲ اوت ۲۰۰۳

مردم در مقیاس چندین هزار نفره در آمریکا و اروپا بخوابانها آمدند تا در همراهی با مردم داخل ایران علیه جمهوری اسلامی اعتراض کنند. پرچم این اعتراض بدست حزب ما بود اما اپوزیسیون راست نیز با شعار فراندوم و پرچم گریه نشان حضور بهم رساند. تقریباً در همه جا و بویژه در لس آنجلس که پایگاه سنتی ناسیونالیسم غربتزدۀ ایرانی است، فوراً معلوم شد که مردم بخاطر فراندوم و پرچم و سرود ایرانی بخوابانها نیامده اند. فوراً معلوم شد سخنرانان و شعاردهندگان و آژیتاتورهای حزب ما مردم را نمایندگی میکنند و حرف دل مردم را میزنند. اپوزیسیون راست از مکان طبیعی سیاست، از کربودها و جلسات مذاکره پشت درهای بسته، به خیابان آمده بود و گیر افتاده بود. میخواستند فراندوم را به جمهوری که با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی بخوابان آمده بودند بفروشند و البته نمیتوانستند. حتی اگر حزب ما در میدان نبود نمیتوانستند. ممکن بود بتوانند مردم را سرخورده و نومید کنند و به خانه بفرستند اما نمیتوانستند شعار و افق و خواست مردم را عوض کنند. این حزب ما بود که با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی و برابری این خواست و شعار را نمایندگی میکرد. تجربه ۱۸ تیر نشان داد که برای بالاترین، برای احزاب کربودری و پارلمانی در خیابان جایی نیست. خیابان جای انقلابیون است، جای حزب ماست، جای رهبران حزب ما آژیتاتورهای حزب ما و سخنرانان حزب ما. اگر ۱۸ تیر شاخصی از روند آتی اوضاع در ایران باشد، آنوقت پی بردن به نقش جانبی و حاشیه ای اپوزیسیون راست و نقش محوری و رهبری کننده چپ در تحولات آتی به قدرت پیشگویی چندان احتیاج ندارد. ■

مردم بشود. گویندگان رادیو تلویزیونهای سلطنت طلب که از چنین مسائلی تهییج میشوند و مشت بر میز میکوبند مردم را بیشتر بیاد نمایشنامه اختاپوس پرویز صیاد میاندازد تا هر چیز دیگری. این ناسیونالیسم در غربت البته برای یاد زندگان آن یک معنا و جایگاه ویژه "بیزینس" ای نیز دارد. دکاندار ایرانی در لس آنجلس و دیگر شهرهای آمریکا و اروپا باید کار و کسبش بچرخد و به این منظور باید بازار ویژه ایرانی خودش را داشته باشد. اگر قرار باشد ایرانیان مقیم خارج از همان محصولات و خدماتی استفاده کنند که بقیه میکنند، اگر قرار باشد همان بستنی و شیرینی را بخورند و همان موزیک را گوش کنند و به همان سلمانی و دکتر بروند که دیگر جایی برای کار و کسب بیزینسمن های "غیور" مقیم خارج" باقی نماند. این مضحکه ناسیونالیسم در غربت گرچه جوهر و معنای واقعی ناسیونالیسم را عریان میکند اما کاربرد سیاسی چندان برای اپوزیسیون راست ندارد. کاربرد آن اساساً خارج کشوری و تجاری معاملاتی است. این در عین حال نشاندهنده ورشکستگی سیاسی ناسیونالیسم پروغرب ایرانی است. این ناسیونالیسم از راسته دکانداران ایرانی غیور مقیم لس آنجلس فراتر نمرود و همانند ناسیونالیسم شرقزده نیمه مذهبی جایی در تحولات سیاسی ایران نخواهد داشت. یکی با جمهوری اسلامی مدفون میشود و دیگری برای همیشه در غربت خواهند ماند.

### شاه در خیابان!

این موقعیت نامساعد اپوزیسیون راست در شرایط انقلابی در تظاهرات ۱۸ تیر در خارج کشور به نحو بارزی خود را نشان داد.

ناسیونالیستی-مذهبی که بعد از جنگ سرد تمام غرب را در بر گرفته است. چنین انقلابی را نمیشود از درون بشکست کشید. یا باید آنرا از روبرو در هم شکست و یا در برابر آن سر تسلیم فرو آورد. این خصلت چپ انقلاب ایران مشخصاً در سطح سیاسی خود را در وجود و قدرت حزب کمونیست کارگری متجلی میکند. حزب ما بستر اصلی چپ در جامعه است و نقطه امید نه تنها سوسیالیستها و روشنفکران چپ، بلکه توده کارگران و زنان و جوانانی است که خواستار درهم کوبیدن نظام موجود و برپائی یک جامعه آزاد و برابر در ایران هستند. نفس وجود و قدرت اجتماعی این حزب تضمین کننده آنست که صدلی رهبری این انقلاب را نمیتوان غصب کرد، نمیتوان آنرا مانند انقلاب ۵۷ تحریف و مهار نمود و در نهایت به شکست کشانید. این بار طبقه کارگر و چپ جامعه نه تنها پراکنده و بی برنامه و بی آلتنتاتیو نیست بلکه خود تا همینجا بیشترین نقش را در شکل دادن به شرایط انقلابی در جامعه داشته است. و بیشک در تحولات انقلابی آتی نیز نیروی تعیین کننده خواهد بود.

### ناسیونالیسم در غربت

با اینهمه حتی با وجود وزن و نقش چپ در جامعه، راست میتوانست شانس برای دخالت از پائین داشته باشد اگر ناسیونالیسم در ایران قادر به بسیج نیروی مردم میبود. آلتطور که مثلاً در بالکان و یا برخی جمهوریهای شوروی سابق پس از جنگ سرد ناسیونالیسم این نقش را ایفا کرد. اما نه برای مردم ایران ناسیونالیسم چنین جایگاهی دارد و نه اپوزیسیون راست قادر به کار گرفتن ناسیونالیسم در چنین ظرفیتی است. ناسیونالیسمی که بوسیله اپوزیسیون راست نمایندگی میشود نوع ویژه ای است که باید آنرا ناسیونالیسم در غربت نامید. ناسیونالیسمی که بیشتر دلتنگی و نوستالژی دوری از وطن ایرانیان مقیم لس آنجلس را نمایندگی میکند تا گرایشات خودبخودی ناسیونالیستی مردم در خود ایران را. این ناسیونالیسم "جشن مهرگان" و "بستنی اکبر مشتی" و "سه جزیره تنبین و ابوموسی" است که ممکن است اشک بچشم سلطنت طلب بیست سال در غربت بسر برده بیاورد اما در خود ایران تنها میتواند موجب مزاح و انبساط خاطر

رسیدن داشته باشد، در غیاب هر نوع تحول انقلابی و بیدان آمدن توده مردم است. دخالت مردم با فلسفه سیاسی راست و با اهداف و آرمان و نوع نظام و حکومتی که خواهان آنست در اساس متناقض است. ضرورت سودآوری و کارکرد سرمایه در ایران هیچ جایی برای نقش مردم در سیاست باقی نمیگذارد. نمیشود نظام گذشته را در ایران احیا کرد و دیکتاتور نبود، نمیشود حتی دموکراسی نیمبندی نظیر یونان و ترکیه داشت. اگر آریامهر حتی احزاب دست ساز خودش را هم نمیتوانست تحمل کند این به بدجنسی و بد اخلاقی و یا "بیحوصلگی علیحضرت در اواخر عمر" ربطی نداشت. سرمایه و ضرورت کار ارزان و کارگر خاموش این را طلب میکرد. انقلاب ۵۷ نه تنها حکومت شاه بلکه مبانی دیکتاتوری سرمایه در ایران را در معرض تهدید جدی قرار داد. و توحش اسلامی روی کار آورده شد اساساً برای اینکه این روند را قطع کند و سرکوب انقلاب، کاری را که شاه در انجامش درمانده بود، را تحت نام انقلاب به آخر برساند. خیمینی توانست باسم انقلاب انقلاب را بکوبد و بشکست بکشاند. اما برای اپوزیسیون راست و در رابطه با انقلابی که شکل میگردد ایفای چنین نقشی ممکن نیست. قبل از هر چیز به دلیل قدرت چپ و اهداف و آرمانهای چپ در جامعه. اکثریت عظیم مردم ایران ضد مذهب و ضد هر نوع دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش و در قوانین مدنی و قضائی است. اکثریت عظیم جامعه مخالف فرودستی زن و هر نوع تبعیض بر مبنای جنسیت در سیاست و قوانین و فرهنگ است. اکثریت عظیم مردم خواهان از بین رفتن شکاف عمیقی است که بین فقر و ثروت در جامعه ایجاد شده و همه اینها یعنی انقلاب آتی ایران یک انقلاب چپ است. انقلابی است با آرمانها و اهداف و خواستههای رادیکال و چپ که در چارچوب تنگ "دموکراسی غربی" و "نظم نوین جهانی" و اقتصاد بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نمیکند. انقلاب ایران تنها در برابر رژیم اسلامی شکل نمیگیرد، بلکه در جوهر خود علیه آن نظم جهانی است که به چنین رژیمی اجازه روی کار آمدن و روی کار ماندن را داده است. پاسخ واقعی مردم خواهد بود هم به اسلام سیاسی و هم به ارتجاع سیاه

گشت. اتکا به آمریکا و کودتا و بند و بست از بالا، سناریویی که راست آنرا در لفافه فراندوم میپیچد، راه واقعی و عملی بقدرت خیزدن راست است و انقلاب درست در نقطه مقابل این سناریو قرار دارد. اینها همه از پیش روشن بود و حزب ما در نوشته ها و اسناد مختلفی از جمله قطعنامه "تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آتی" این واقعیات را اعلام و تاکید کرده است. اما نکته ای که بویژه در پرتو تجربه خیزش اخیر جا دارد مورد توجه قرار بگیرد موقعیت و نقش اپوزیسیون راست در شرایط انقلابی است، شرایطی که علیرغم خواست و اراده اپوزیسیون راست، و یا آمریکا و هر نیروی که به تحولات از بالا چشم دوخته و امید بسته است، مردم را با خواست سرنگونی وسیعاً بیدان میاورد و تومار جمهوری اسلامی را به همراه سناریوهای "متمدنانه" فراندوم و رژیم چپ" و یا هر شکل دیگر تحول از بالا در هم میپیچد. خیزش خرداد-تیرماه اخیر نمونه ای از چنین شرایطی بود. جرقه ای بود که نشان داد انقلاب و درهم کوبیده شدن نظام جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم یک احتمال و سناریوی قوی و کاملاً ممکن است. چپ جامعه و در راس آن حزب ما به استقبال چنین سناریویی میروند، ما خود در زمینه سازی این شرایط انقلابی نقش داشته ایم و پیش آمدن این شرایط حزب ما را در محور و مرکز تحولات در ایران قرار خواهد داد. برای اپوزیسیون راست وضعیت کاملاً بر عکس است. انقلاب به راست تحمیل خواهد شد و نیروهای اپوزیسیون راست را در شرایط کاملاً نامساعدی قرار خواهد داد. در این شرایط تنها امید راست مهار انقلاب و متوقف ساختن و تحریف آن خواهد بود. این نقش را یکبار خیمینی ایفا کرد، اما آیا اپوزیسیون راست هم میتواند به ایفای چنین نقشی امیدوار باشد؟ آیا تاریخ یکبار دیگر، و اینبار با جایجائی شاه و فقیه، تکرار نخواهد شد؟ پاسخ این سوال منفی است. اجازه بدهید موضوع را بیشتر بررسی کنیم.

### خیمینی دیگری در کار نیست

اپوزیسیون راست، با و یا بدون شاه، اگر شانس برای بقدرت

## نوه خمینی و رابطه سکولاریسم با امام زمان

اسعد کوشا

اما حجت الاسلام در فتوای ثانی ورود قوای آمریکا به ایران را همچون عراق برای اعطای "آزادی" جایز و ضروری می‌شمارد. و این دو با هم، یعنی "آخوند معتدل" طرفدار "بص" های "آزادببخش" آمریکائی، باعث میشود تا مفسر و خبرنگار غربی جانی برای امثال ایشان در شامورتی بازی بورژوازی جهانی برای نجات مذهب در نظر بگیرد.

اکنون که علیرغم میل حکومت‌های غربی، اسلام سیاسی میرود تا توسط انقلاب مردم برای همیشه دفن شود، تلاش غرب اینست که در مقابل چهره سراپا جنایت و توحش اسلام سیاسی، خود اسلام کمترین ضربه را متحمل شود. ناچارا می‌خواهند به واتیکانیزه شدن اسلام رضایت دهند، و آخوندها هم به کشیدن دست تحقیق بر سر بردگان مزدی از یکسو و دستی در خزانه عمومی از سوی دیگر بسنده کنند. حسن تصادف! را ببینید، همگام با خواب نما و آمریکائی پسند شدن نوه خمینی، در مصر نیز یکی از رهبران جماعت اسلامی که از طراحان قتل سادات بوده، به ناگهان استغفار گفته و ضمن انحرافی خواندن راه بن لادن، از سادات بعنوان شهید اسلام نامبرده است!

آری، اکنون که امارت و بارگاه خلفای اسلام به همت زنان، جوانان و کارگران ایران در حال فروریختن است، غرب مذبحخانه بتکاپو افتاده تا هر خشتی از این بنای توحش را برای کشمکشهای طبقاتی آینده مصون و محفوظ بدارد، غافل از اینکه حضور فعال کمونیسم کارگری در صحنه سیاسی ایران و در راس جنبشی عمیقاً ضد مذهبی، چنین مجالی را به مرتجعین شرقی و شریک جرم غریبشان نخواهد داد.

شود و جوانب مختلف آن برای بشریت بازگو شود. دنیا باید از زبان ما عملکرد حکومت اسلامی و کل اسلام سیاسی در منطقه را بشناسد و در مقابل آن یک سنگریندی جهانی شکل دهد. ما افشای این جنایات را بخشی از وظیفه سیاسی و انسانی خود میدانیم.

از پس لرزه های خیزشهای خیابانی اخیر باید به از بغداد سردآوردن امامزاده (نوه خمینی) هم اشاره کرد. مثل همیشه، هرگاه مردم به خیابان می‌آیند تا تکلیف حکومت‌های استشاری و وحشی را در جانی یکسره کنند، خیل مستشاران و استراتژیست های سرمایه داری جهانی به یاری مرتجعین و هم طبقه ای هایشان در کشور مربوطه میشتابند. هنوز سید حسین خمینی از گرد راه نرسیده است که خبرنگار هلندی او را در بغداد پیدا میکند! و پس از چاق سلامتی میپرسد، آیا قصد دارید رهبری مخالفین را علیه حکومت اسلامی بر عهده بگیرید؟! جواب مثبت و توأم با لبخند ملیح نوه امام، هوش از سر خبرنگار و مفسران سیاسی غرب میبرد. هر تکه کلام ایشان گوهری میشود بر پیشانی رسانه های غربی و اپوزیسیون راست و اکثریتی-توده ای محب الاسلام.

داستان چیست؟ نوه خمینی یکشبه در بغداد ره چند ساله نوه رضا خان را طی میکند و خواهان رفراندوم برای تعیین نوع حکومت میشود. فشار جنبش بشدت ضد مذهبی مردم برای پائین کشیدن حکومت اسلام، حجت الاسلام را وادار کرده که با استدلال دینی از سکولاریسم جانبداری کند! ایشان فتوا داده اند تا خود امام زمان تشریف نیاروند حکومت مذهبی برپا کردن حرام است. بنظر میرسد که فتوای آقای حسین خمینی بیشتر بخاطر نگرانی از دیر شدن ظهور امام زمان است که پوشش طرفداری از سکولاریسم یافته است، چون میگویند وقتی که "فساد" (از سکه افتادن ارزشهای مذهبی) به اوج خود رسید امام زمان ظهور میکند. و از نظر آقا وجود حکومت اسلامی مانع اوج این "فساد" است.

شود و امکان بند و بست با آن کمتر شود و همزمان ماهیت ریاکارانه و ارتجاعی رسانه های مزدور و دست راستی غرب برای مردم هرچه بیشتری روشن شود. تاریخ وحشیگری جمهوری اسلامی در عین حال بخشی از تاریخ وحشیگری جریان دست راستی اسلام سیاسی است و توسط جنبش کمونیسم کارگری باید مدام افشا

مردم، دوستان و آشنایان جانباختگان سراغ خانواده های جانباخته رفته اند و آنها را تنها نگذاشته اند. در شرایط فعلی که جمهوری اسلامی به مرگ خودش نزدیکتر میشود و مبارزه مردم هرروز بیشتر اوج میگیرد، لازم است این مساله نیز به موضوعی برای بسط مبارزه مردم علیه حکومت اسلامی تبدیل شود و در ابعاد وسیعتری یاد جانباختگان گرامی داشته شود. حزب مردم را تشویق میکند که همراه با خانواده های جانباختگان بر مزار آنها، در خانه خانواده های جانباخته، در پارکها و هرجا امکان پذیر است تجمع کنند و یاد کنند از جانباختگان و عزیزشان بدارند و خواهان محاکمه سران جمهوری اسلامی بشوند.

در خارج کشور نیز ما سعی میکنیم افکار عمومی را هرچه بیشتر با گفتن و نوشتن و تظاهرات کردن و بطرق مختلف نسبت به ماهیت جنایتکارانه کل رژیم و سران و باندهای مختلف آن مطلع نگهداریم. روز شنبه ۸ شهریور هم در برخی کشورها در مقابل سفارتخانه های رژیم تظاهرات میکنیم. در واقع سفارتخانه های جمهوری اسلامی دامنایم باید محل اجتماع مردم معترض باشد که به مناسبت های مختلف دارند به رژیم اعتراض میکنند و مراکز آنرا تحت فشار میگذارند.

ما وظیفه داریم این تاریخ را همیشه جلو صحنه بگیریم، بویژه برای نسل جوان که شاهد بسیاری از جنایات حکومت اسلامی نبوده است، از آنچه در مقاطع مختلف و توسط باندهای مختلف حکومت اسلامی بر سر مردم آمده است، این حقایق را بازگو کنیم و ضرورت محاکمه سران رژیم را تاکید کنیم. در تمام طول تاریخ جمهوری اسلامی و به موازات آن، بخشی از به اصطلاح اپوزیسیون، اپوزیسیون طرفدار رژیم، در مقاطع مختلف لیخند یک آخوند و نارضایتی فلان آیت اله را بهانه کرده است که جناح خوب و بد در رژیم پیدا کند و اسلام خوب و بد بتراشد و از رژیم حمایت کند. بازگوئی این حقایق به همان درجه که موجب انزوای جمهوری اسلامی میشود

این جریانات را هم بی آبرو تر میکند. و بالاخره در غرب همانطور که اشاره کردم افکار عمومی بسیاری از اتفاقات سیاسی این دوره را نمیداند و مشخصاً از قتل عام بزرگ سال ۶۷ کمتر مطلع است. حقایق مربوط به این ۲۵ سال را باید به جهانیان گفت تا دولتهای مرتجع و دست راستی غرب دستشان در همکاری با جمهوری اسلامی رو

**اصغر کرمی:** جنایات جمهوری اسلامی اکثراً در غرب آنطور که باید منعکس نشده و مدیای غرب در انطباق با سیاست دول غرب اغلب با بی توجهی زیادی از کنار آنها رد شده و آنها را سانسور کرده است. امروز دنیا احتیاج دارد که جنایات جمهوری اسلامی را از زبان مردم آزادیخواه، بازماندگان قربانیان و از زبان مخالفین حکومت بشنود. با اینهمه بخشی از جنایات جمهوری اسلامی در غرب بازتاب وسیعی یافته و با عکس العمل و محکومیت توسط دول غرب هم مواجه شده است. اینکه چرا قتل عام سال ۶۷ با سکوت کامل روبرو شد، به رابطه دول غرب با جمهوری اسلامی در آن مقطع مربوط میشود. در آن مقطع دول غرب با جمهوری اسلامی رابطه حسنه ای داشتند، در طول جنگ به هر دو رژیم ایران و عراق اسلحه میفروختند و خواهان تضعیف جمهوری اسلامی نبودند.

همین الان هم شاهدیم علیرغم همه اختلافاتی که دول غرب با جمهوری اسلامی دارند و علیرغم اینکه میدانند این رژیم رفتنی است و امیدوی به حفظ آن نیست با اینهمه دارند سازش میکنند و دست از مذاکرات پنهانی با جمهوری اسلامی برنمی‌دارند. به همین دلیل ما وظیفه سنگینی در افشای دانش جنایات جمهوری اسلامی در افکار عمومی بین المللی داریم تا دول غربی را نیز با بسیج افکار عمومی تحت فشار قرار دهیم.

**سیاوش دانشور:** در سالروز این جنایت بزرگ جمهوری اسلامی علیه زندانیان سیاسی، حزب کمونیست کارگری کمپینی را اعلام کرده رئوس این کمپین و سیاست حزب چیست؟

**اصغر کرمی:** در داخل ایران مردم علیرغم همه حققان و سرکوبی که وجود داشته، تلاش کرده اند تا خاطره این جانباختگان را زنده نگهدارند و یاد آنها را گرامی بدارند. علیرغم شرایط دشواری که خانواده های جانباختگان داشته اند، تلاش کرده اند گورهای دسته جمعی را پیدا کنند، سر قبر آنها بروند، بر مزار آنها گل بگذارند، تجمع کنند تا نگذارند این جنایت به فراموشی سپرده شود. در طول این سالها به مناسبت‌های مختلف

نارضایتی و مقاومت وسیع در مقابل جنگ و سربازگیری و با فرار از جبهه ها رژیم را وادار به آتش بس و ختم جنگ کرده بودند دیر یا زود برای تحقق مطالبات پایمال شده شان به میدان میامند و مبارزه آنها خصلت تعرضی به خود میگرفت. نارضایتی در صفوف نیروهای رژیم و بویژه تفرقه ای که در بالای رده های حکومت اسلامی ایجاد شده بود، این زمینه را ایجاد کرده بود که به مبارزه مردم اشکال حادثی بدهد. حکومت اسلامی راه را در سرکوب و ارباب دید. از خمینی که دستور این قتل عام را صادر کرد و کمیسون ویژه ای را مامور این قتل عام کرد تا رفسنجانی که آنرا از نماز جمعه اعلام کرد و توطئه پلیدی که در آستین داشتند را علنی کرد، تا موسوی اردبیلی که دادستان کل بود و اشراقی و مبشری و کل آن ماشین سرکوب و جنایت همه با هم دست بکار شدند و یکی از بزرگترین قتل عام های زندانیان سیاسی را به اجرا درآوردند.

خوبی ساده در زندانهای اوین و گورهدشت و زندانهای شهرستانها با یک محاکمه یکی دو دقیقه ای و با یکی دو سوال آیا به اسلام اعتقاد داری یا نه و یا حاضری نام هواداران فلان سازمان سیاسی را فاش کنی یا نه، شروع به قتل عام کردند و هزاران نفر، از مخالفین حکومت، از اعضای مجاهدین و گروههای سیاسی چپ و کمونیست را سر به نیست کردند و دسته جمعی در قبرهای بی نام و نشان دفن کردند. از تعداد جانباختگان بطور دقیق آماری در دست نیست، تاکنون اسامی بیش از ۵۰۰۰ نفر توسط جریانات مختلف اپوزیسیون اعلام شده است، گفته میشود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر را در عرض چند هفته قتل عام کردند، زندانیانی را که سالها قبل محاکمه شده بودند. سران جمهوری اسلامی با اینکار یکی از بزرگترین جنایات فجیع قرن بیست را مرتکب شدند و کیفرخواست خود را سنگین تر کردند. جزئیات این فاجعه، آمار و اسامی جانباختگان را شاید باید از زبان سران رژیم در جریان محاکمه آنها شنید.

**سیاوش دانشور:** در مورد این فاجعه در آن دوره شاهد سکوت مطلق دول اروپائی هستیم. چرا این فاجعه اینطور با سکوت مواجه شد؟

**سیاوش دانشور:** در مورد این فاجعه در آن دوره شاهد سکوت مطلق دول اروپائی هستیم. چرا این فاجعه اینطور با سکوت مواجه شد؟

## شورای کارگران شرکت نفت شمال در شهر کرکوک تشکیل شد



مذاکرات به قرار زیر اعلام شده است:  
۱- تحویل نیروهای القاعده توسط ایران و تعهد آمریکا به کنترل و خلع سلاح کامل نیروهای مجاهدین. ۲- عدم دخالت ایران در اوضاع عراق علیه آمریکا، و ۳- تعهد ایران به امضای پروتکل الحاقی معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی. جناح خاتمی خواهان امضای این معاهده است. این اقدام را گامی در جهت تثبیت موقعیت رژیم اسلامی و خود میدانند. میپندارند که اگر با آمریکا به توافق برسد قادر به حل بحران موجودیتی خود خواهد شد. اما جناح راست تعهد به این توافقنامه را یک شکست نشینی های بعدی در قبال آمریکا میدانند که میتواند منجر به جری تر شدن هر چه بیشتر مردم در رو در رویی با رژیم اسلامی گردد. در طرف دیگر بخشهایی از هیات حاکمه آمریکا حتی قبول این معاهده از جانب جمهوری اسلامی را تلاشی برای وقت خریدن از جانب این رژیم میدانند و بر سیاست نظامی و تقابل همه جانبه پافشاری میکنند.

به این رو در رویی چگونه باید نگاه کرد؟ واقعیت این است که تلاشهای هستهای رژیم اسلامی و چگونگی مقابله غرب با آن هر دو به مخاطرات زندگی مردم در شرایط فعلی می افزاینند. دستیابی رژیم اسلامی به سلاح اتمی جنبش اسلام سیاسی را در موقعیت بمراتب خطرناکتری قرار میدهد، و این هیولای اسلامی را به سلاح کشنده دیگری علاوه بر ابزارهای تاکتونی اش مجهز میکند. قدرت تاثیر گذاری اسلام سیاسی را در تشدید خصومت در خاورمیانه به شدت افزایش میدهد. از طرف دیگر سیاست مقابله نظامی احتمالی آمریکا نیز نه تنها باعث نابودی کامل پروژه هستهای رژیم اسلامی نخواهد شد بلکه میتواند منجر به ایجاد فاجعهای اتمی در منطقه و نتیجتاً خانه خرابی بیشتر مردم شود. تحریم اقتصادی هم که بعضاً از جانب انگلیس در مقابل سیاست نظامی برخی محافل راست آمریکا ارائه میشود سیاست ضد انسانی دیگری است که نتایج آن مستقیماً زندگی مردم را تحت تاثیر قرار خواهد داد. نتایج سیاست ضد انسانی تحریم اقتصادی را در عراق جهان دیده است. واقعیت این است

که در این چهارچوب قربانی سیاست و تلاشهای هستهای رژیم اسلامی و چگونگی مقابله نظامی و یا اقتصادی با آن از جانب آمریکا و غرب تنها مردم و صلح دوستی و آزادیخواهی خواهند بود. آیا راه حلی انسانی برای پایان دادن به کابوس رژیم اسلامی اتمی و خنثی کردن احتمال فاجعهای اتمی در مقابل با آن وجود دارد؟ تنها یک راه موجود است. کلید مساله و پایان بخشیدن به این وضعیت در دست مردم است. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. کوتاه ترین، مطمئن ترین و انسانی ترین راه جلوگیری از تسلیح اتمی رژیم اسلامی سرنگونی

به این مناسبت یک بار دیگر بر تعهد خود به تلاش برای رهایی طبقه کارگر و توده های مردم در عراق و بر حمایت خود از خواستها و اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران تاکید گذاشته است.

حزب کمونیست کارگری ایران نیز این واقعه مهم و تاریخی را به کارگران شرکت نفت شمال در کرکوک، به طبقه کارگر در عراق و به حزب کمونیست کارگری عراق شادباش میگوید. ما به همه این رفقا بخاطر مبارزات خستگی ناپذیرشان برای هدایت جامعه عراق به مسیر رهایی از ارتجاع و استثمار سرمایه داری، و خروج از سناریوی سیاهی که آمریکا و متحدانش با همستی ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی برای عراق تدارک دیده اند، صمیمانه درود میفرستیم.

**زنده باد اتحاد طبقه کارگر در عراق**  
**زنده باد حزب کمونیست کارگری عراق**  
**زنده باد همستگی طبقاتی کارگران در عراق و ایران و سراسر جهان**

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ مرداد ۱۳۸۲  
۱۱ اوت ۲۰۰۳

انقلابی این رژیم و برقراری نظامی است که صلح و رفاه و آزادی مردم را در تلاش نظامی و قدرت تسلیحاتی جستجو نمیکند. تنها نیرویی که سعادت و خوشبختی شهروندان جامعه را هدف فعالیتها روزمره خود میداند و خواهان پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی و از میان بردن سلاحهای کشتار دسته جمعی است میتواند مقابل با آن وجود دارد؟ تنها یک راه موجود است. کلید مساله و پایان بخشیدن به این وضعیت در دست مردم است. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. کوتاه ترین، مطمئن ترین و انسانی ترین راه جلوگیری از تسلیح اتمی رژیم اسلامی سرنگونی

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## تلاشهای هسته ای رژیم اسلامی، مولفه ای جدید!

علی جوادی

مدعی هستند که "منهم ساختن تاسیسات اتمی ایران دشوار خواهد بود". انبسی گزارش میدهد "در صورتیکه آمریکا به ایران حمله کند خطر آن بسیار بیشتر از جنگ عراق میباشد ... و اگر این کشور به مرحله دستیابی به تسلیحات هستهای نزدیک باشد، برخورد نظامی غیر قابل پیش بینی در پی خواهد داشت." از طرف دیگر سازمان ملل، اتحادیه اروپا و روسیه با اعمال فشارهای سیاسی خواهان امضای پروتکل الحاقی سازمان بین المللی انرژی اتمی شدند تا قادر به اعمال کنترل سختگیرانه تری بر فعالیتهای هستهای رژیم اسلامی شوند. کالین پاول نیز امضای پروتکل الحاقی را گام اول در مذاکرات فیما بین دو دولت اعلام کرده است.

اما جایگاه تلاشهای هستهای رژیم اسلامی در معادلات سیاسی و موقعیت رژیم اسلامی چیست؟ چنانچه گزارشات بین المللی واقعیت اهداف هستهای رژیم اسلامی را منعکس کنند و جمهوری اسلامی در پروسه تولید سلاحهای هستهای باشد، باید گفت که دستیابی به این سلاحها میتواند برگی برای جلوگیری از تکرار سناریوی "تغییر رژیم" آمریکا در ایران و ابزاری برای تخفیف فشار آمریکا بر جمهوری اسلامی و امتیاز گیری در این موقعیت بحرانی باشد. جمهوری اسلامی ظاهراً به موقعیت کره شمالی و نقش سلاح اتمی در چگونگی تغییر و تنظیم مناسبات آمریکا با این کشور چشم دوخته است. (کره شمالی در ماههای گذشته رسماً اعلام کرد که اولین بمب اتمی خود را تولید کرده است و بمنظور توقف پروژه تولید بمبهای هستهای خود خواهان تعهد آمریکا در عدم حمله نظامی به این کشور است). در طرف دیگر آمریکا خواهان اعمال فشار و جلوگیری از تلاش هستهای رژیم اسلامی است و بخشهایی از هیات حاکمه آمریکا این تلاشهای احتمالی رژیم اسلامی را دلایل موجهی برای انجام اقدامات نظامی علیه ایران و تکیه بر سیاست "تغییر رژیم" میدانند. اما آمریکا با توجه به موقعیت نیروهایش در عراق قادر به تکرار و پیشبرد چنین سیاستی در شرایط منطقه و اوضاع بین المللی نیست. از اینرو آمریکا در شرایط حاضر سیاست مذاکره و فشار و امتیاز دادن و امتیاز گرفتن را در پیش گرفته است. شروط سه گانه این

در هفته های اخیر رسانه های جهانی گزارشات متعددی در مورد تلاشهای هستهای جمهوری اسلامی درج کرده اند. لس آنجلس تایمز در ۴ اوت گزارشی را منتشر کرد که طی آن مدعی شده است: "ایران به آخرین مراحل تولید بمب اتمی پا گذاشته است." و نتیجه گیری کرده است که: "ایران در آستانه دستیابی به اورانیوم یا پلوتونیوم غنی شده برای ساخت بمب اتمی است." بازرسان سازمان ملل میگویند شواهدی در دست دارند که نشاندهنده آن است که ایران آب سنگین تولید کرده است. آب سنگین میتواند برای تولید پلوتونیوم که از آن بمب ساخته میشود، مورد بهره برداری قرار گیرد. همچنین گزارش ماه ژوئن سازمان ملل رژیم اسلامی را بخاطر وارد کردن ۱/۸ تن اورانیوم طبیعی از چین مورد ستوای قرار داده و خواهان روشن شدن تکلیف ۱/۹ کیلوگرم اورانیوم "گم شده" است. گفته میشود این میزان اورانیوم میتواند برای آزمایشهای لازم جهت تولید بمب هستهای مورد بهره برداری قرار گرفته باشد. رژیم اسلامی کماکان اصرار دارد که تلاشهای هستهای ایران در جهت مصارف غیر تسلیحاتی و برای تامین نیازهای انرژی جامعه است. مستقیماً از اینکه رژیم اسلامی در چه مرحله ای از دستیابی به سلاح اتمی قرار دارد و یا اصولاً چنین پروژهای را دنبال میکند، واقعیت این است که تلاشهای هستهای رژیم اسلامی به یک بحران و فاکتور مهم در معادلات سیاسی بین المللی در قبال رژیم اسلامی تبدیل شده است. دستیابی رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی در شرایطی که قدرت موشکی لازم (شهاب ۳) را نیز برای حمل بمب تولید کرده است میتواند موقعیت سیاسی رژیم اسلامی را در قبال غرب و آمریکا دستخوش تغییر و تحول جلی کند. جورج بوش اعلام کرده است که آمریکا تلاشهای ایران برای ساختن بمب اتمی را "تحمیل نخواهد کرد." و برخی دیگر از نیروهای هیات حاکمه آمریکا خواهان انجام اقدام نظامی لازم برای جلوگیری از دستیابی رژیم اسلامی به سلاح اتمی شدند. انگلیس اصلی ترین متحد آمریکا مخالف هرگونه اقدام نظامی علیه ایران است. کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا خواهان از سرگیری مذاکرات محرمانه با رژیم اسلامی شده است. تحلیلگران نظامی اسرائیل